روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۱۳۲ | یک‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۶ | ۱۴ شوال ۱۴۳۸ | اذان ظهر: ۱۳:۱۰ |
غروب آفتاب: ۲۰:۲۳ | اذان مغرب: ۲۰:۴۴ | نیمه شب شرعی: ۰۰:۱۸ | اذان صبح فردا: ۰۴:۱۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۵۷ |

گزارش ۲ | محمدصادق عابدینی

دبیر جشنواره رسول آفتاب خبر داد

مردم بهترین آتش به اختیارها را معرفی می‌کنند

دبیر ششمین جشنواره مردمی «رسول آفتاب» از معرفی و انتخاب بهترین آتش به اختیارهای فرهنگی از سوی مردم خبر داد.

رحیم مخدومی در نشست خبری جشنواره رسول آفتاب از برنامه‌ریزی برای معرفی چهره‌های فرهنگی که فعالیت‌های آتش به اختیار فرهنگی در اقصی‌نقاط کشور دارند، خبر داد و گفت: جشنواره رسول آفتاب به دنبال ایجاد بانک اطلاعاتی از آتش به اختیارهای فرهنگی و معرفی آنها در قالب یک مجموعه کتاب یا مجله تصویری است تا از این طریق این افراد و فعالیت‌های‌شان به عنوان الگو به مردم معرفی شوند. مخدومی افزود: رسول آفتاب می‌خواهد فعالیت‌ها و آثار آتش به اختیارها را به عنوان محصولات قابل ارائه در سراسر کشور ارائه دهد. وی تأکید کرد: تلاش داریم با ایجاد بانک سوژه درباره فعالیت‌های آتش به اختیارها، آن را در اختیار فیلمسازان از جمله جشنواره عمار قرار دهیم تا بر اساس آن سوژه‌ها اقدام به تولید فیلم کنند.

این فعال فرهنگی با انتقاد از عملکرد وزارت ارشاد در عدم همکاری با جشنواره رسول آفتاب گفت: ما هیچ ردیف بودجه‌ای نداریم و با وجود اینکه یکی از وظایف وزارت ارشاد حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و تشکل‌هایی است که کار فرهنگی انجام می‌دهند، آنها حتی جواب نامه‌های ما را هم نمی‌دهند.

وی ادامه داد: ما امیدواریم با کمک‌های مردم و نهادها و سازمان‌ها بتوانیم جشنواره رسول آفتاب را پیش ببریم. ولی تا آن زمان نمی‌توانیم میزان جوایز جشنواره و زمان اختتامیه را مشخص کنیم. دبیر ششمین جشنواره مردمی رسول آفتاب، با بیان اینکه مهلت فراخوان معرفی بهترین آتش به اختیارها تا پایان شهریورماه است، گفت: در آن زمان با توجه به حجم و موضوعاتی که ارسال شده می‌توانیم ضمن ایجاد بانک اطلاعاتی شخصیت‌ها و تشکل‌های آتش به اختیار را شناسایی کنیم.

مخدومی گفت: هر کس در شهر و روستای خودش آتش به اختیاری را می‌شناسد به جشنواره معرفی کند البته آثار هنری که به معرفی تشکل‌ها و شخصیت‌های آتش به اختیار می‌پردازد نیز جداگانه بررسی خواهد شد. وی افزود: ما احساس کرده‌ایم روحیه آتش به اختیاری گره‌گشای بسیاری از مسائل است و با این روحیه بسیاری از ناشدنی‌ها شدنی است، برای نمونه تشکیل نهاد امور تربیتی نشئت گرفته از روحیه آتش به اختیارانه بوده است چون با توجه به شاخص‌هایی که برای فعالیت آتش‌به اختیار از سوی رهبر انقلاب مطرح شده، راه‌اندازی امور تربیتی چنین تصویری را به ذهن متبادر می‌کند. امور تربیتی‌ها فرهنگ و هنر را بومی کردند در حالی که امروز کمتر چنین چیزی را می‌بینید. علاقه‌مندان به معرفی آتش به اختیارهای فرهنگی به جشنواره رسول آفتاب می‌توانند از طریق کانال تلگرامی @atashbeekhtiyarhaa یا رایانامه atashbeakhtiyarha@gmail.com با این جشنواره در ارتباط باشند.

حکمت

حکمت ۳۴

أَشْرَفُ الْغِنَی تَرْکُ الْمُنَی.

برترین غنا و بی نیازی، ترک آرزوهاست.

سودای صداوسیمای کابینه به‌جای رسانه ملی!

پرسش مهم از دولت این است که اگر راست می‌گویید چرا چنین دغدغه‌ای را مثلاً برای بخش خصوصی ندارید؟ چرا می‌خواهید از رسانه ملی یک بنگاه سخن‌پراکنی برای «اظهارات و سخنان دولتی» بسازید؟!

■ **ایزد مهرآفرین**

دولت «لایحه اداره صداوسیما» به مجلس می‌دهد! این صرفاً یک گزاره ساده که احتمال صدق و کذب آن برود، نیست بلکه بیشتر یک «نقشه» است برای فشار بیشتر به رسانه منتقد ملی تا تبدیل به «صداوسیمای کابینه» شود. دولتی که می‌خواهد رسانه مردم را هم در کابین خود قرار دهد تا صداوسیما، میلی - به میل دولت - شود! پرسش مهم از دولت این است که اگر راست می‌گویید چرا چنین دغدغه‌ای را مثلاً برای بخش خصوصی ندارید؟ چرا می‌خواهید از رسانه ملی یک بنگاه سخن‌پراکنی برای «اظهارات و سخنان دولتی» بسازید؟! آیا واقعاً دولت مستقر تا به آن حد نقشه جدایی کشیده که ابتدا به فکر جدایی مؤلفه‌های قدرت در نظام افتاده است؟!

درست در روزهایی که جناح‌های سیاسی فارغ از اولویت‌های اقتصادی و اجتماعی مردم درگیر بحث‌های قراردادهای نفتی بین ایران و فرانسه هستند، دولت به شکل خیلی نامحسوس و شاید بتوان گفت تا حدودی رندانه پیگیر طرحی است که صداوسیما را از یک رسانه ملی به بنگاه خبرپراکنی دولتی تبدیل می‌کند.

این طرح چیزی نیست جز لایحه اداره صدا و سیما، که چندی پیش در محافل و گعده‌های خصوصی مجلس و از طرف نمایندگان حامی دولت مطرح شده است. مصوبه این لایحه جامع در خصوص نحوه اداره سازمان صدا و سیما قبل از انتخابات از سوی شورای نظارت بر صداوسیما تصویب شده و جمشید جعفرپور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هم پیش‌نویس قانون اداره سازمان صداوسیما را تهیه کرده است. با این وجود تقدیم لایحه اداره صداو سیما از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی در سکوت خبری ارائه شده و کمتر رسانه‌ای تا به امروز درباره آن صحبت کرده است.

■ **ضرغامی: این کار وجاهت قانونی ندارد**

تنها اعتراض مهم به ارائه لایحه اداره سازمان صداوسیما از سوی عزت‌الله ضرغامی، رئیس اسبق سازمان صداو سیما مطرح شد.

ضرغامی که این روزها در فضای مجازی فعال است در واکنش به این لایحه در توئیترش نوشت: «تقدیم لایحه اداره صداوسیما از طرف دولت به مجلس فاقد وجاهت عرفی و قانونی است. رسانه ملی حتی اگر تحت مدیریت مستقیم دولت هم باشد، باید مثل سایر دستگاه‌های دولتی پیش‌نویس لایحه را خودش تنظیم کند نه دیگران!»

در نگاه اول می‌شود گفت طرح و لایحه‌ای که صداوسیما را از یک رسانه عمومی خارج می‌کند و آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد، به راحتی در مجلس یا بعد از آن در شورای نگهبان قانون اساسی رد می‌شود، اما دولت آیا این مسئله را نمی‌داند و اجازه می‌دهد لایحه‌ای که می‌تواند پیروزی استراتژیکی را به دنبال داشته باشد به همین راحتی از دست برود؟! شاید سکوت معناداری که این روزها درباره ارائه لایحه اداره صداوسیما مطرح شده ناشی از همین اطمینانی باشد که دولت از نتیجه کار دارد و می‌داند که می‌تواند بر موج حاصل از رد این نهادهای نظارتی سوار شود.

■ **دولت‌ها همیشه ناراضی از صدا و سیما**

ساختار صدا و سیما که پیش از انقلاب با نام سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران شناخته می‌شد بعد از انقلاب دچار تغییرات گسترده‌ای شد. سازمانی که روزی پسر دایی فرح پهلوی بر آن ریاست می‌کرد با تغییر ساختار و رویکردها قرار شد به عنوان رسانه ملی و در خدمت انقلاب اسلامی باشد اما از همان سال‌های ابتدایی دولت‌های بعد از انقلاب با این رسانه فراگیر و چندوجهی اصطکاک پیدا کردند. سابقه حدود چهار دهه ریاست افرادی از جمله محمد هاشمی، علی لاریجانی، سیدعزت‌الله ضرغامی، محمد سرافراز و عبدالعلی علی‌عسکری نشان می‌دهد که دولت‌ها غالباً از صدا و سیما انتظار همسویی و همکلامی با دولت و سیاست‌های آن را داشته‌اند و در مقابل نیز صدا و سیما از محدودیت‌های مالی و رفتاری که دولت‌ها بر این رسانه اعمال کرده‌اند، راضی نبوده است، حتی در دورانی که دولت دهم با اهدای مبلغی به صداوسیما یک گشایش مالی موقتی در اوضاع بد مالی صدا و سیما ایجاد کرد، باز هم می‌شد رگه‌های پررنگ اختلاف میان دولت وقت و صدا و سیما را دید.

با وجود این هیچ دوره‌ای مانند دولت یازدهم که در طول عمر چهارساله آن سه رئیس بر سازمان صدا و سیما ریاست کرده‌اند، صدا و سیما با دولت دچار مشکلات حاد نبوده است. دولت یازدهم کم حوصله و انتقاد ناپذیر هیچ‌گاه نسبت به برنامه‌های انتقادی تلویزیون روی خوش نداشته است و از طریق نماینده‌هایش در شورای نظارت بر صدا و سیما بارها اعتراضش را کرده است.

حسام‌الدین آشنا یکی از دو نماینده دولت در شورای نظارت بیشترین انتقاد را به برنامه‌های تلویزیونی از جمله بخش‌های خبری مانند بخش ۲۰:۳۰ داشته است. اما ارائه لایحه برای تغییر در شیوه اداره صدا و سیما را نمی‌توان صرفاً در نتیجه برنامه‌های انتقادی صدا و سیما دانست. پس دولت به دنبال چیست؟!

■ **دولت تلویزیون دولتی می‌خواهد**

دولتمردان به خصوص در ایام انتخابات ریاست‌جمهوری، صدا و سیما را بارها و بارها به عدم رعایت اصل بی‌طرفی متهم و عملاً فضای روانی ایجاد کرده‌اند که در نتیجه آن حامیان دولت یازدهم این تصور را بکنند که صدا و سیما متصل به همه مردم ایران نیست. دولتی‌ها بارها صدا و سیما را به رفتار جناحی متهم و اینگونه القا کرده‌اند که صدا و سیما مخالف آزادی‌هایی است که دولت از آن دم می‌زند و وعده‌اش را می‌دهد. در شرایطی که افکار عمومی حامیان دولت علیه صدا و سیما شوریده شده، دولتی‌ها بحث فضای مجازی را به عنوان جایگزین رسانه‌ای مانند صدا و سیما مطرح می‌کنند، فضایی که برخلاف برنامه‌های صدا و سیما کاملاً غیرقابل کنترل بوده و حضور در آن مخاطرات زیادی حتی برای خود دولت دارد. اما آدرس غلط دولت درباره صدا و سیما و اینکه هیچ انتقادی از دولت مستقر نشود، به چه فرجامی خواهد رسید؟!

ارائه لایحه اداره صداوسیما از سوی دولت، استقلال این رسانه را مخدوش کرده و آن را جزئی از اقمار دولت می‌کند که مجبور است سیاست‌هایش را از طریق قوه مجریه هماهنگ و اجرا کند.

■ **صداوسیما به دولت باج می‌دهد؟!**

نقطه نهایی آمال دولت برای فشار به صدا و سیما از طریق نپرداختن بودجه یا فشارهای سیاسی بر رسانه ملی که اوج آن ارائه لایحه مدیریت بر صدا و سیما است، گرفتن امتیازات راهبردی از صدا و سیما است. صدا و سیما به عنوان رسانه‌ای منتسب به حاکمیت با این روش مجبور می‌شود به دولت باج دهد و خواسته‌های دولت را مدنظر قرار دهد؛ کاری که با روح قانون اساسی نیز در تناقض است. در اصل دولت به دنبال ایجاد صدا و سیمای دولتی و نه ملی است. همان طور که حسن روحانی در جریان رقابت‌های انتخاباتی بسیار از مردم دم می‌زد این بار باید از رئیس‌جمهور خواست که یک رسانه ملی را برای مردم نگه دارد و به جای دست‌اندازی به یک رسانه ملی، تلاش کند تا میزان رضایت عمومی از صداوسیما و تولیداتش بالا برود نه اینکه در شرایط بد اقتصادی باعث شود صداوسیما برای بقا تن به هر قرارداد تبلیغاتی بدهد و برنامه‌های تلویزیونی به جولانگاه آگهی‌های بازرگانی محصولاتی مانند قابلمه و کفش‌های پیاده روی تبدیل شود.

نما | حسین کشتکار

هفتمین حراجی تهران باز هم به نام سهراب شد

خرید اشتباهی معاون وزیر برای موزه هنرهای معاصر

■ **محمدصادق عابدینی**

هفتمین حراج تهران جمعه ۱۶ تیرماه برگزار شد و باز هم سهراب سپهری با نقاشی از مجموعه تنه درختان گران‌ترین هنرمند حراج شد. علی مرادخانی، معاون هنری وزیر ارشاد هم با خرید تابلوی نقاشی کمال‌الملک برای موزه هنرهای معاصر، یک خرید اشتباه گران‌قیمت برای موزه داشت. یک کارشناس، قیمت‌گذار آثار تجسمی در گفت‌وگو با «جوان» از علت این اشتباه می‌گوید.

مجید احمدی، کارشناس و ارزش‌گذار آثار تجسمی و مشاور گالری‌های هنری تهران می‌گوید: در دوره هفتم حراج تهران شاهد واقعی شدن قیمت‌ها بودیم و فاصله قیمت‌گذاری‌ها تا خریدها به قیمت‌های واقعی نزدیک‌تر شده است. احمدی واقعی شدن قیمت‌ها را بهترین اتفاق ممکن برای دوره هفتم حراج تهران می‌داند و می‌گوید: در دوره‌های قبل شاهد این بودیم که اثر سهراب حدود یک میلیارد قیمت‌گذاری می‌شد اما ۳ میلیارد تومان به فروش می‌رفت اما الان می‌بینیم که ۲میلیاردو ۵۰۰ میلیون قیمت‌گذاری می‌شود و در نهایت با ۳میلیاردو ۱۰۰ میلیون به فروش می‌رسد.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا در حراج‌های برگزار شده، مجموعه درخت‌های سهراب سپهری بیشترین قیمت خرید و بالاترین استقبال را داشته، است می‌گوید: مجموعه تنه درختان سهراب سپهری شهرت بین‌المللی دارد و اصولاً سهراب جزو شناخته شده‌ترین هنرمندان ایرانی در سطح بین‌المللی است. علاوه بر سهراب سپهری هنرمندانی مانند زنده رودی، تاولی و احصایی نیز که آثارشان در حراج تهران عرضه شده است، جزو معتبرترین هنرمندان ایرانی معاصر در جهان هستند که در حراج‌های بین‌المللی نیز حضور دارند.

این کارشناس تأکید می‌کند: منظور از حراج‌های بین‌المللی حراجی کریستی دوبی نیست، زیرا این حراجی شرایط خاص خود را دارد.

وی می‌افزاید: شاید یکی از دلایل شهرت مجموعه تنه درختان نیز وجهه اقتصادی حراجی‌ها به عنوان یک مارکتینگ باشد. خریداران آثار هنری از آثاری مانند تنه درختان سهراب سپهری استقبال می‌کنند و چون استقبال هست حراجی‌ها هم برای کسب وجهه اقتصادی به دنبال ارائه چنین آثاری در حراج هستند.

احمدی درباره اینکه چرا آثار کمال‌الملک در حراج تهران با قیمت پایین‌تری نسبت به آثار سهراب سپهری فروخته می‌شود، توضیح می‌دهد: نقاشی‌های کمال‌الملک کارهای کلاسیک به شمار می‌روند باید میان کارهای کلاسیک و مدرن تفاوت قائل شویم، اکنون مارکتینگ آثار هنری توجه بیشتری به آثار مدرن دارد و به همین دلیل خریداران بیشتر و قیمت‌های بالاتری دارد. نباید انتظار داشت در این بازار قیمت یک کار کلاسیک بالاتر از کارهای مدرن باشد، با اینکه قیمت اثر فروخته شده از کمال‌الملک نیز خیلی خوب و بالاتر از حد انتظار بود. در ضمن این خریدها را نمی‌توان مبنایی برای بهتر بودن سهراب از کمال‌الملک یا ضعیف‌تر بودن اثر کمال‌الملک نسبت به نقاشی‌های سهراب دانست.

این کارشناس آثار تجسمی و قیمت‌گذار فروش، درباره فروش تابلوی نقاشی «اردوگاه همایونی» که از سوی علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد برای موزه هنرهای معاصر خریداری شد، توضیح می‌دهد: این خرید یک خرید بزرگ اشتباه بود. موزه هنرهای معاصر محل نمایش آثار مدرن و معاصر است اما این اثر که از سوی مرادخانی خریداری شد، متعلق به دوران قبل از سفر کمال‌الملک به اروپا بوده و اصلاً جزو آثار شاخص و شناسنامه‌ای این نقاش بزرگ نیست. پول زیادی نیز برای خرید این اثر پرداخت شد که می‌شد با آن چند اثر مدرن مناسب موزه هنرهای معاصر را خریداری کرد.

احمدی تأکید می‌کند: باید برای چنین خریدهایی از کارشناس واقعی برای حضور در حراج استفاده کرد و به نظرم آقای مرادخانی با وجود اینکه جزو هیئت مدیره موزه هنرهای معاصر هستند، صلاحیت فنی برای خرید ندارند.

این کارشناس در نقد برگزاری حراج تهران می‌گوید: با همه احترامی که به حسین پاکدل به عنوان یک هنرمند و نویسنده و بازیگر قائل هستم، باید بگویم اجرای وی اصلا مناسب حراج نیست. نحوه اجرای حراج‌ها یکی از عوامل مهم در موفقیت یک حراج است. حراج تهران برای حرفه‌ای‌تر شدن حتی باید به فکر آوردن یک مجری حراج حرفه‌ای از خارج از کشور باشد.

خبر

فریدون جیرانی «پاییز تنهایی» را می‌سازد

فریدون جیرانی قرار است سریال جدیدی را برای تلویزیون کارگردانی کند.

این مجموعه تلویزیونی ملودرامی اجتماعی با عنوان «پاییز تنهایی» است که رحمان سیفی آزاد تهیه‌کنندگی آن را بر عهده خواهد داشت. جیرانی پیش از این دو تجربه موفق «مرگ تدریجی یک رؤیا» و «تعبیر وارونه یک رؤیا» را در تلویزیون داشته است. این مجموعه تلویزیونی جدید برای پخش از شبکه ۵ سیما آماده می‌شود. عمده فعالیت‌های فریدون جیرانی در سینما بوده است، با این حال او تجربه ساخت دو مجموعه تلویزیونی با فاصله حدوداً ۹ سال را نیز در کارنامه دارد. اولین سریال او «مرگ تدریجی یک رؤیا» است که در سال ۱۳۸۵ ساخته شد و با شیوه نو تدوین خود مورد توجه قرار گرفت و توانست مخاطبان را با تلویزیون همراه کند.

سریال بعدی او با وقفه‌ای نزدیک به یک دهه، در سال ۱۳۹۴ از تلویزیون روی آنتن رفت؛ «تعبیر وارونه یک رؤیا» سریالی در ژانر معمایی بود که داستان آن با مسائل هسته‌ای و جاسوسی گره خورده بود. جیرانی تصمیم گرفته سریال جدیدی با عنوان «پاییز تنهایی» را برای شبکه ۵ سیما کارگردانی کند. این سریال که ملودرامی اجتماعی است این روزها در حال نگارش است و تهیه‌کنندگی آن را رحمان سیفی آزاد بر عهده دارد. «پاییز تنهایی» به برخی از مسائل اجتماعی نظیر بلندپروازی جوانان و نوع نگاه‌شان به زندگی و ازدواج می‌پردازد.

واکنش رئیس شورای صنفی نمایش به نامه حسین علم الهدی

لازم باشد آمار مخاطبان هنر و تجربه را اعلام می‌کنیم

■ **جواد محرمی**

محفلی بودن و ضدسینما بودن گروه دولتی هنر و تجربه مسئله‌ای است که پیش از این جوان بارها و بارها به آن اشاره کرده است، انتقاداتی که بالاخره از میان مدافعان دولتی سازمان سینمایی هم طرفدارانی پیدا کرده است. همایون اسعدیان، رئیس شورای صنفی نمایش روز گذشته با محفلی خواندن این گروه به این اشاره کرده که علم‌الهدی و دوستانش فکر می‌کنند این محفل ملک شخصی‌شان است.

چندی پیش شورای صنفی نمایش بر ممنوعیت اکران فیلم‌های اکران آزاد و سرگروه‌دار در سالن‌های هنر و تجربه تأکید کرد و این موضوع با واکنش امیرحسین علم‌الهدی، رئیس این گروه مواجه شد. وی در نامه‌ای سازمان سینمایی را به تعطیل کردن این گروه سینمایی تهدید کرده بود. همایون اسعدیان روز گذشته واکنش تندتری به تهدیدات علم‌الهدی نشان داده و گفته: در یک سال گذشته به درخواست آقای علم‌الهدی از شورای صنفی اکران، ما موافقت کردیم تا فیلم‌های پرفروش بتوانند در سینماهای گروه «هنر و تجربه» در شکل محدودی اکران شوند و هر سالن سینمای «هنر و تجربه» ۱۵ سانس در ماه برای این فیلم‌ها داشته باشد. اکثریت اعضای شورای صنفی نمایش با درخواست ایشان مخالف بودند و صرفاً به اصرار شخص بنده با ایشان موافقت کردند؛ دوستان ما با این استدلال مخالفت می‌کردند که این ۱۵ سانس را برای بالا بردن آمار مخاطب جهت ارائه به مدیران بالادستی می‌خواهند. ظاهراً با آمار مخاطبان این فیلم‌ها می‌خواستند میزانی از عدم موفقیت‌شان را جبران کنند. من اشتباه کردم، من به شخصه بی‌تدبیری شخص خودم را در رابطه با پذیرش درخواست ایشان می‌پذیرم. اسعدیان با اشاره به اینکه علم‌الهدی مدعی است دعوا بین سینمای اندیشه و بدنه است، می‌گوید: لابد به تعبیر ایشان سینمای اندیشه یعنی گروه «هنر و تجربه» و بقیه فیلم‌ها مقابل آن هستند، به نظر جدا از اینکه ایشان دارند به تمام فیلم‌های سینمای ایران توهین می‌کنند و سینمای بدنه را خالی از اندیشه می‌دانند به شخصه چنین جایگاهی برای ایشان قائل نیستم که اجازه داشته باشند چنین تقسیم‌بندی انجام دهند. خیلی متأسفم که باید بگویم چیزی به نام گروه «هنر و تجربه» دیگر وجود ندارد و مدت‌هاست به یک محفل با تمام خصوصیات محفلی آن تبدیل شده است. رئیس سابق سازمان سینمایی بدون هیچ پژوهش و کارشناسی سینما «فرهنگ» را در اختیار این گروه قرار داده است. اگر آقای علم‌الهدی جرئت ندارند آمار فروش و مخاطبان‌شان را در این سالن اعلام کنند، هر وقت ضروری باشد قطعاً ما آن را اعلام می‌کنیم. به گزارش «جوان» برای شکست گروه هنر و تجربه در بحث اکران می‌توان یک حسن قائل بود و آن هم اینکه سینمای به اصطلاح هنری مخاطب خاص نباید به جریان اصلی سینمای ایران تبدیل شود.

خبر

عرضه نسخه بلوری «بادیگارد» از اواخر تیرماه

نسخه بلوری فیلم «بادیگارد» ساخته ابراهیم حاتمی کیا در سومین دهه تیرماه در مراکز فروش محصولات ویژه فرهنگی نظیر شهر کتاب‌ها و مراکز تخصصی عرضه محصولات سمعی و بصری توزیع می‌شود.

به گزارش روابط عمومی سازمان هنری رسانه‌ای اوج، از ویژگی‌های نسخه بلوری «بادیگارد» که با حجم ۵۰ گیگابایت آماده عرضه می‌شود وجود منوهای مختلف، زیرنویس‌های چندزبانه برای تمامی آیتم‌ها، کلیپ‌های معرفی هر بخش و کیفیت تصویری بسیار بالا برای علاقه‌مندان حرفه‌ای سینما است. علت تأخیر در عرضه این نسخه که ابتدا قرار بود پاییز سال گذشته روانه بازار شود طراحی برنامه‌های ویژه و برای اولین‌بار تجربه شده در سینمای ایران در قالب بلوری است. به‌طور مثال بیننده می‌تواند در حین تماشای یک قسمت همزمان وارد منوهای دیگر شده و از سایر آیتم‌ها نیز استفاده کند.

کیفیت تصویری ارائه شده در این بلوری هم برای فیلم اصلی و هم برای سایر بخش‌ها همچون پشت‌صحنه، مصاحبه‌های تخصصی، عکس‌ها، فیلم به روایت کارگردان و... فراتر از کیفیت تصویری نسخه‌های دی‌وی‌دی نمایش خانگی است و با کیفیت اصلی نسخه دیجیتال در پرده سالن‌های مدرن برابری می‌کند.

در اختتامیه فصل اول جشنواره تلویزیونی مستند عنوان شد

شبکه مستند خانه اصلی مستندسازان است

■ **جواد محرمی**

شبکه مستند را باید یکی از موفق‌ترین شبکه‌های صداوسیما دانست که در چندسال اخیر با مدیریت خوبی که به خود دیده، توانسته جایگاه شایسته‌ای در تولید و پخش مستندهای تلویزیونی به دست بیاورد. دیروز نشست خبری اختتامیه فصل اول نخستین جشنواره تلویزیونی مستند در این شبکه برگزار شد.

در ابتدای این نشست، سلیم غفوری، مدیر شبکه مستند گفت: برگزاری این جشنواره در شبکه مستند ماحصل زحمات نسل جوان مستندساز است که در کنار بزرگان عرصه مستند رشد کرده و در داخل کشور و عرصه بین‌المللی حرف‌های جدی برای گفتن دارند. آنها با آثارشان گام مؤثری در بیان فرهنگ و هنر کشور برداشته‌اند و اتفاقات تازه‌ای را رقم زده‌اند. به دلیل کثرت جشنواره‌های متعدد، انتظار چنین نشستی را نداشتیم و واقعاً جای خوشحالی دارد که این تعداد اثر با کیفیت بالا به دست ما رسید. حضور مستندسازان جوان در اقصی نقاط کشور باعث خرسندی ماست اگرچه کمتر شناخته شده‌اند اما آثار بسیار ارزشمندی داشته‌اند. یکی از اهداف اولیه ما شناخت همین جوانان بود. امیدواریم بعد از این بتوانیم با این افراد تعامل بهتری برقرار کنیم. غفوری با اشاره به اینکه فصل اول این جشنواره با نمایش آثار و رأی مردم به پایان رسید، اظهار کرد: فصل دوم از همین امروز ساعت ۱۹ آغاز به کار می‌کند و تا پایان شهریورماه ادامه خواهد داشت. آثار این فصل روزهای زوج روی آنتن می‌رود و آخر فصل داوری می‌شود. در ادامه این نشست، به پاس یک عمر فعالیت در عرصه مستندسازی که طبق گفته مدیر شبکه هر اثری از او به نمایش درآمده جزو بهترین مستندهای این مملکت است از فرهاد ورهرام تجلیل شد. مدیر شبکه مستند در این بخش از برنامه

تصریح کرد: مجموعه مفصلی با این پیشکسوت عرصه مستند در دست تولید داریم و از افتخارات ما این است که افرادی مثل ورهرام در کنار مستندسازان جوان تجربیات‌شان را در اختیار مردم قرار می‌دهند و ما در این شبکه می‌توانیم از این گنجینه‌ها استفاده کنیم. سینمای مستند کشور امروز از سینمای داستانی نه تنها کم ندارد بلکه جلوتر نیز است. جشنواره مستند گامی مؤثر در شبکه مستند بود و به همه اثبات کرد این شبکه خانه اصلی مستندسازان است. امروز بزرگداشت مردی را برگزار می‌کنیم که سینمای مستند و سینمای مردم شناسی وامدار اوست در ادامه مراسم ورهرام یادآور شد: وقتی شنیدم که در کنار این همه جشنواره متعدد قرار است جشنواره دیگری برگزار شود افسرده شدم چون شخصاً با جشنواره مخالف هستم. به نظر می‌رسد در این جشنواره‌ها همه مدیران، دغدغه رفتن روی صحنه و گرفتن عکس و اعطای جایزه دارند و پولی که باید برای حمایت از مستندسازان صرف شود در این مراسم خرج می‌شود ولی این جشنواره متفاوت است به خصوص که مردم هم نقش اساسی در انتخاب و داوری داشتند.